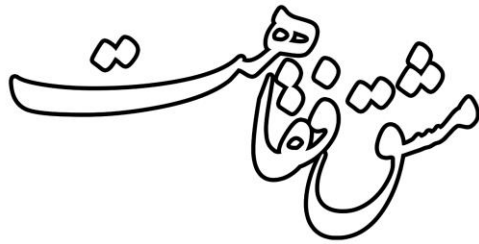


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامه علمی — تخصصی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۴



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجم (انگلیسی) و (عربی): مجتبی شیخی

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، دفتر دوفصلنامه مشق فقاهت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال





The Methodological Framework of Ijtihad in the Thought of Mirza al-Na'ini

Mojtaba Golizadeh¹

Abstract

Mirza al-Na'ini (1277–1355 AH) stands as one of the most prominent *Usuli* jurists of the last century and remains one of the most influential figures in the evolution of Shi'ī *Ijtihad* methodology. Adopting an analytical-critical approach, this research elucidates the theoretical and epistemological foundations of *Ijtihad* in the school of Na'ini, delineates his process of legal inference (*istinbāt*) and methodological stages, and evaluates the innovations and critiques associated with his school of thought. The first section examines the epistemological and philosophical foundations of Na'ini's thought regarding the relationship between intellect (*'aql*) and tradition (*naql*), the probative force of apparent meanings (*hujjiyyat al-zawāhir*), the role of procedural principles (*al-uṣūl al-'amaliyyah*), and the status of certainty (*qaṭ'*) and speculative probability (*ẓann*). While maintaining fidelity to the traditional framework of *Usul al-Fiqh*, Na'ini emphasizes the intellect as an independent source of inference, striving to present a rationalized systematicity in the understanding of sacred texts. The second section explicates Na'ini's process of juristic inference and the stages of his methodological approach- ranging from the analysis of verbal evidences (*al-adillah al-lafẓiyyah*) to the application of procedural principles. By establishing a precise distinction between “conceptual” (*taṣawwūrī*) and “assertive” (*taṣdīqī*) significations, and emphasizing the function of rational and traditional principles in states of legal doubt, Na'ini offers a coherent and rule-based method that has profoundly influenced contemporary *Usuli* scholars. The third section reviews the methodological innovations of Na'ini's approach alongside the critiques leveled against it. The findings indicate that Na'ini's method of *Ijtihad*, while remaining loyal to the *Usuli* tradition of the school of Akhund al-Khorasani, possesses a distinctive theoretical independence and intellectual depth that serves as a dynamic model for the reconstruction of contemporary *Ijtihad*.

Keywords: Muhaqqiq al-Na'ini, Ijtihad, Methodology, Custom (*'Urf*), Intellect (*'Aql*), Conduct of the Rational (*Sīrat al-'Uqalā*).

1. Graduate, Advanced Studies Program, Pure Imams' Jurisprudential Center, Qom. mgolizadeh1371@gmail.com





دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال سوم، شماره پنجم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

روش‌شناسی اجتهاد میرزای نائینی^۱

مجتبی گلی‌زاده^۱

چکیده

میرزای نائینی (۱۲۷۷-۱۳۵۵ق) از برجسته‌ترین فقهای اصولی سده اخیر و از اثرگذارترین چهره‌ها در تحول روش اجتهاد شیعی به شمار می‌آید. این پژوهش با رویکردی تحلیلی - انتقادی، به تبیین مبانی نظری و معرفتی اجتهاد در مکتب نائینی، تشریح فرایند استنباط و مراحل روش اجتهادی او، و نیز ارزیابی نوآوری‌ها و نقدهای وارد بر این مکتب می‌پردازد. در بخش نخست، مبانی معرفت‌شناختی و فلسفی اندیشه نائینی درباره نسبت عقل و نقل، حجیت ظواهر، نقش اصول عملیه، و جایگاه قطع و ظن بررسی می‌شود. وی با تأکید بر عقل به مثابه یکی از منابع مستقل استنباط، می‌کوشد در عین وفاداری به چارچوب سنتی اصول فقه، نوعی نظام‌مندی عقلانی در فهم نصوص شرعی ارائه دهد. در بخش دوم، فرایند استنباط فقهی نائینی و مراحل روش اجتهادی او، از تحلیل ادله لفظی تا به‌کارگیری اصول عملیه، تبیین می‌شود. نائینی با تفکیک دقیق میان دلالت‌های تصویری و تصدیقی و با تأکید بر کارکرد اصول عقلی و نقلی در مقام شک، روشی منسجم و قاعده‌مند عرضه می‌کند که در میان اصولیان معاصر تأثیرگذار بوده است. در بخش سوم، نوآوری‌های روش نائینی و نیز نقدهای وارد بر آن بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روش اجتهادی نائینی، ضمن وفاداری به سنت اصولی مکتب آخوند خراسانی، از استقلال نظری و عمق عقلانی ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند به عنوان الگویی پویا در بازسازی اجتهاد معاصر مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان: محقق نائینی، اجتهاد، روش‌شناسی، عرف، عقل، سیره عقلا.

۱. دانش‌آموخته مرکز فقهی انمه اطهار^{علیه السلام}، بخش خارج. mgolizadeh1371@gmail.com

مقدمه

اجتهاد به مثابه ابزار اصلی فهم شریعت در فقه اسلامی، نقشی بنیادین در پویایی و بالندگی اندیشه دینی دارد. تحول در مبانی و روش اجتهاد، همواره شاخصی برای تحول در اندیشه اسلامی بوده است. در میان اصولیان متأخر شیعه، میرزای نائینی جایگاهی ممتاز دارد؛ چرا که او در دوره‌ای حساس از تاریخ ایران و حوزه نجف، ضمن پاسداری از سنت اصولی مکتب آخوند خراسانی، با رویکردی عقل‌گرایانه به سامان‌دهی دوباره مباحث اجتهاد و اصول فقه پرداخت. با وجود تأثیر گسترده اندیشه نائینی بر فقهای پس از خود، روش اجتهادی وی هنوز به‌طور نظام‌مند واکاوی نشده است. اغلب پژوهش‌ها یا به تحلیل فقه سیاسی او (مانند تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملّه) اختصاص یافته‌اند و یا به‌صورت پراکنده به برخی آرای اصولی او اشاره کرده‌اند. از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که: روش اجتهادی میرزای نائینی بر چه مبانی معرفتی استوار است، از چه مراحل در فرایند استنباط پیروی می‌کند و چه نوآوری‌هایی در مقایسه با دیگر مکاتب اصولی ارائه می‌دهد؟



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

بررسی روش اجتهاد نائینی نه تنها برای شناخت بهتر تاریخ تطور اصول فقه شیعه اهمیت دارد، بلکه در بازخوانی عقلانیت دینی و احیای روش اجتهاد در عصر حاضر نیز نقشی محوری ایفا می‌کند. در روزگار ما که مباحث اجتهاد با پرسش‌های نوپدیدی همچون نسبت دین و عقل، قلمرو شریعت و تغییر موضوعات روبه‌روست، بازخوانی الگوی اجتهادی اندیشمندی چون نائینی می‌تواند الهام‌بخش بازسازی نظام استنباط باشد. نائینی با تأکید بر عقل، تفکیک میان حوزه «کشف» و «تطبيق»، و تنظیم دقیق مراحل اجتهاد، نوعی الگوی «عقلانی-نقلی» ارائه می‌دهد که می‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز فقه و اصول باشد.

در حوزه آثار و اندیشه‌های نائینی پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. در حوزه فقه سیاسی، آثاری چون اندیشه سیاسی میرزای نائینی و نظریه حکومت از دیدگاه نائینی به تحلیل آرای سیاسی او پرداخته‌اند. در حوزه اصول فقه نیز شرح‌ها و تقریرات شاگردان نائینی، مانند فوائد الاصول و اجود التقریرات، به‌عنوان منابع اصلی شناخته می‌شوند. با این حال، در میان آثار تحلیلی معاصر، کمتر پژوهشی به‌طور

جامع و منسجم به بازسازی روش اجتهاد نائینی از منظر معرفتی و فرایندی پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که برخی مطالعات تنها به بررسی بخشی از مباحث اصولی او (مثلاً حجیت ظن یا اصول عملیه) بسنده کرده‌اند. بنابراین، خلأ پژوهشی در حوزه تحلیل ساختاری و روشمند اجتهاد نائینی به‌وضوح احساس می‌شود. این پژوهش با هدف بازسازی و تحلیل نظام‌مند روش اجتهادی میرزای نائینی، به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. مبانی معرفتی و فلسفی اجتهاد در مکتب نائینی چیست؟
 ۲. فرایند استنباط در اندیشه نائینی چه مراحل را دربرمی‌گیرد؟
 ۳. نوآوری‌ها و امتیازات روش اجتهاد او در مقایسه با دیگر اصولیان متأخر کدام است و چه نقدها و چالش‌هایی بر این مکتب وارد شده است؟
- پژوهش حاضر با روش «توصیفی - تحلیلی» و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به‌ویژه آثار اصلی نائینی (مانند منیة الطالب و تنبیه‌الامه) و تقریرات شاگردان وی تنظیم شده است. تحلیل محتوایی گزاره‌ها و مقایسه تطبیقی دیدگاه نائینی با دیگر اصولیان (مانند آخوند خراسانی، محقق اصفهانی و امام خمینی) از ابزارهای اصلی تحقیق است.



سال سوم | شماره پنجم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

این مقاله در سه بخش سامان یافته است: در بخش نخست، مبانی نظری و معرفتی اجتهاد در مکتب نائینی (مانند جایگاه عقل، نسبت نقل و عقل، و حجیت قطع و ظن) تبیین می‌شود. بخش دوم به فرایند استنباط و مراحل روش اجتهاد در نظام فکری نائینی (تحلیل ادله، کاربرد اصول لفظی و عملی، و مواجهه با تعارض) می‌پردازد. در نهایت، در بخش سوم، نوآوری‌های روش نائینی در نظام‌مندسازی اصول و عقل‌گرایی اجتهادی ارزیابی و نقد می‌شود. نائینی را می‌توان نماینده گذار از اجتهاد سنتی به اجتهادی عقل‌محور دانست؛ او با حفظ پیوند با سنت فقاهت امامیه، راهی برای عقلانی‌سازی اجتهاد گشود که در اندیشه شاگردانش، همچون امام خمینی و آیت‌الله خویی تداوم یافت. مطالعه نظام اجتهاد نائینی، دریچه‌ای برای فهم تطور عقلانیت دینی در جهان شیعه و مبنایی برای بازسازی اجتهاد در مواجهه با چالش‌های فقه معاصر است.

۱. مبانی نظری و معرفتی اجتهاد در اندیشه نائینی

«مبانی نظری و معرفتی اجتهاد» در اندیشه محقق نائینی، به مجموعه اصول فکری و معرفت‌شناختی‌ای اشاره دارد که زیربنای فرآیند استنباط فقهی را تشکیل می‌دهند. از نگاه او، اجتهاد نه صرفاً یک «فن فقهی»، بلکه «فرآیندی معرفتی» است که بر پایه تعامل عقل و وحی، علم و ظن، و حجیت ادراکات عقلایی بنا شده است. نائینی بر این باور است که شریعت در عین الهی بودن، در افق فهم عقلایی و عرفی بشر نازل شده است؛ از این رو، فقیه در استنباط احکام، نه تنها مجاز، بلکه ملزم است از ابزارهای عقلانی، زبان عرفی و سیره عقل بهره گیرد تا مراد شارع را کشف کند؛ نه آنکه تنها بر ظواهر الفاظ، بدون تحلیل ساختاری و عقلی، تکیه نماید (نائینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۸؛ واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶).

از منظر معرفت‌شناختی، نائینی در چارچوب مکتب اصولی نجف، بر این اصل بنیادین تأکید می‌ورزد که اعتبار معرفت دینی بر پایه «کشف» است، نه «تأسیس». به عبارت دیگر، وظیفه مجتهد، به کارگیری دقیق قواعد اصولی برای پرده‌برداری از اراده شارع است، نه ساخت‌وسازهای ذهنی یا استنتاج حکم از پیش‌فرض‌های غیرشرعی. (سبحانی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۶) بدین سان، مبانی اجتهاد در مکتب نائینی، نمودار یک «نظام عقل‌گرایی معتدل» است که در آن عقل و عرف، نه رقیب وحی، بلکه ابزارهای ضروری برای فهم وحی در ساحت کشف اراده شارع هستند. این رویکرد، به اجتهاد نائینی صورتی منسجم، قاعده‌مند و واجد ظرفیت برای مواجهه با تحولات زمانه می‌بخشد (سبحانی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۵۱؛ مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۸۹).

جهت تبیین دقیق‌تر این مبانی، در ادامه موارد زیر بررسی می‌گردد:

۱-۱. مبانی معرفت‌شناختی

۱-۱-۱. نگاه نائینی به علم، قطع و ظن

از دیدگاه محقق نائینی، زیربنای حجیت در فقه و اصول، «علم» و «قطع معتبر» است. وی در فوائد الاصول تصریح می‌کند که تنها معرفتی حجت است که کاشفیت تام از واقع داشته باشد؛ از این رو، در صورت عدم دسترسی به علم، نوبت به ظنون معتبر (شرعی یا عقلی) می‌رسد. (نائینی، ج ۱، ص ۷۲). او در تحلیل معرفت‌شناختی



«قطع»، آن را حالتی می‌داند که نفس در آن مضطر به تصدیق است و از هرگونه احتمال خلاف منقطع می‌شود؛ از این رو، حجیت قطع را ذاتی دانسته و معتقد است که نیازی به جعل حجیت از سوی شارع ندارد (همان، ص ۷۴). این تحلیل، تداوم‌بخش خط فکری آخوند خراسانی است، با این تفاوت که نائینی با «تفکیک میان قطع موضوعی و قطع طریقی»، عمق تحلیل معرفت‌شناختی خود را نشان داده و زمینه‌ساز تحولی در بحث حجیت امارات و اصول عملیه شده است (سبحانی، ۱۴۲، ص ۳۱۸).

در مقابل، نائینی نسبت به ظنون غیر معتبر موضعی سخت‌گیرانه دارد و تأکید می‌کند که «هیچ ظنی به نفسه حجت نیست، مگر آنکه دلیل شرعی یا سیره عقلانی بر اعتبار آن قائم شود» (نائینی، ج ۲، ص ۱۱۲). بر این اساس، وی معرفت را در سه سطح تحلیلی متمایز دسته‌بندی می‌کند که بنیان معرفت‌شناختی اجتهاد در مکتب او را شکل می‌دهند:

۱. علم قطعی: (حجت بالذات)؛

۲. ظن معتبر: (حجت به واسطه جعل شرعی یا حکم عقل)؛

۳. شک و توهم: (موضوع اصول عملیه).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

این سه‌گانه معرفتی، نه تنها روش نائینی را در مقام استنباط منضبط کرده، بلکه مرز میان «کشف واقع» و «تعبد به ظن» را در مکتب او شفاف می‌سازد.

۲-۱-۱. تأثیر معرفت‌شناسی اصولی بر فرآیند استنباط

نائینی با تأکید بر اینکه «فرآیند استنباط تابع مراتب حجیت معرفت است»، میان مقام «کشف حکم» و مقام «عمل مکلف» تفکیک قائل می‌شود. او در مباحث اصول عملیه تصریح می‌کند که فقیه در مقام استنباط، مکلف به تحصیل علم یا حجت معتبر است و در صورت فقدان آن‌ها، نوبت به اصول عملیه (مانند برائت یا احتیاط) می‌رسد. (نائینی، ج ۲، ص ۲۵۰) از نظر نائینی، معرفت‌شناسی اصولی نقشی دوگانه در استنباط ایفا می‌کند: از یک سو، مبانی عقلانی او (در باب حجیت علم و ظن)، «چهارچوب منطق استنباط» را مشخص می‌کند و از سوی دیگر، در مقام تطبیق ادله، تعیین می‌کند که فقیه تا چه حد مجاز به اعتماد بر ظنون است. (واعظی،

روش‌شناسی فهم دین، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳). بدین‌سان، فرآیند اجتهاد نزد نائینی، نظامی «معرفت‌محور» است که بر درجات اطمینان و مراتب کشف حکم شرعی بنا شده، نه صرفاً فرآیندی مبتنی بر نقل محض (حکیمی، ۱۳۹۷، ش ۲۳، ص ۹۵).

۳-۱-۱. عقل به‌عنوان ابزار فهم نصوص

یکی از ارکان نظام معرفت‌شناختی نائینی، جایگاه عقل در فرآیند فهم نصوص است. او عقل را نه در تقابل با نص، بلکه در خدمت «کشف مراد شارع» می‌داند. در نگاه وی، عقل اصولی قادر است دلالت‌های نصوص را تبیین کرده و حدود حجیت آن‌ها را مشخص نماید (نائینی، ج ۳، ص ۵۲). نائینی برخلاف اخباریان و حتی برخی اصولیان متقدم، برای «مستقلات عقلیه»، حجیت ذاتی قائل است و میان «حسن و قبح عقلی» و «احکام شرعی» ملازمه برقرار می‌کند (همان، ص ۶۲).

با این حال، نائینی میان «عقل مولد» و «عقل مفسر» مرز دقیقی می‌کشد؛ به طوری که در حوزه «غیرمستقلات عقلیه»، عقل تنها نقش تبیین‌کننده دارد، نه تولید حکم شرعی (سبحانی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۴۸). از نظر او، عقل در کنار «عرف» و «سیره عقلا»، ابزار فهم نصوص و تفسیر اراده شارع است؛ بدین معنا که فقیه باید با تکیه بر قواعد عقلایی در فهم زبان و قرائن عرفی، «مراد جدی» شارع را از نصوص استخراج کند (نائینی، همان، ج ۴، ص ۱۱۵). این رویکرد «عقل‌گرایی اعتدالی»، وجه ممیزه مکتب نائینی از دو طیف افراطی «نص‌گرایی جمودآمیز» و «عقل‌گرایی مفرط» است (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۲-۱. مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در اندیشه محقق نائینی

۱-۲-۱. مبانی هستی‌شناختی

محقق نائینی در آثار خود، اگرچه به‌طور مستقیم به مباحث انتزاعی فلسفی نمی‌پردازد، اما مبانی هستی‌شناختی او در لایه‌های زیرین استدلال‌های اصولی و فقهی‌اش به روشنی قابل استنباط است. هستی‌شناسی نائینی در چهارچوب «جهان‌بینی توحیدی» و با تأثیرپذیری از سنت صدرایی حاکم بر حوزه نجف در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم قمری شکل گرفته است (جعفریان، ۱۳۸۷،

ص ۲۲۸). هسته اصلی این مبانی را می‌توان در محور زیر تبیین کرد:

۱-۲-۱-۱. واقع‌گرایی معرفتی و ثبوت احکام در لوح تشریع

نائینی بر این باور است که احکام شرعی، ناظر به «واقع» و کاشف از مصالح و مفاسد نفس‌الامری‌اند؛ نه آنکه صرفاً اعتباریات محض و فاقد ریشه تکوینی باشند. وی در فوائد الاصول تصریح می‌کند: «الاحکام الشرعية الطاف فی الاحکام الواقعية العقلية» (نائینی، ج ۳، ص ۵۷). بر این اساس، نظام تشریع، ریشه در «واقع تکوینی» دارد؛ به این معنا که هستی، دارای نظم عقلانی و غایتمند است و احکام شریعت، ترجمانی از این نظام واقعی وفق مصالح بندگان هستند (سبحانی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۶). این رویکرد واقع‌گرا، نائینی را از هرگونه «نسبی‌گرایی در احکام» دور کرده و استنباط فقهی را به تلاشی برای کشف لایه‌های پنهان مصلحت در هستی تبدیل می‌کند.

۱-۲-۱-۲. نظام تشریع به مثابه نظام علی و غایی

نائینی با تکیه بر اصالت «علیت و غایت» در افعال الهی، معتقد است که تمامی احکام شرعی، دارای «ملاکات واقعی» و «غایات عقلانی» هستند. این نگاه، احکام را از دایره اعتبارات صرف خارج کرده و آن‌ها را در زمره نظام‌های معقول و غایتمند قرار می‌دهد. از این‌رو، در فرآیند استنباط، فقیه نباید تنها به ظواهر نص بسنده کند، بلکه وظیفه او تلاشی عالمانه برای کشف «ملاکات احکام» است؛ هرچند این کشف در بسیاری از موارد به دلیل محدودیت‌های معرفتی، از طریق ظواهر ادله و به صورت ظنی صورت می‌گیرد (نائینی، ج ۳، ص ۶۳).

این مبنای هستی‌شناختی، تأثیر عمیقی بر اصول فقه نائینی گذاشته است؛ زیرا او به واسطه پذیرش این غایت‌مندی، «اعتبار عقل» را در کشف ملاکات احکام (مستقلات عقلیه) به رسمیت می‌شناسد و عقل را به عنوان ابزاری کارآمد در کنار نصوص دینی قرار می‌دهد (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸).

بدین‌سان، از نظر نائینی، «مصلحت» و «مفسده» نه اموری بیرونی یا بی‌ارتباط با شریعت، بلکه هسته مرکزی احکام الهی‌اند که کشف آن‌ها هویت اجتهاد اصولی را می‌سازد.



۳-۱-۲-۱. ارتباط تشریع با واقع اجتماعی و عرفی

نائینی با رویکردی واقع‌گرایانه، استنباط فقهی را محصور در نصوص نمی‌بیند و بر این باور است که تشریع الهی در بستر «واقع اجتماعی» تکنون یافته است. از نگاه او، فهم دقیق احکام بدون شناخت دقیق «عرف» و «ساختار هستی اجتماعی»، ممتنع است (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۳). این نگرش نائینی، نشان‌دهنده پذیرش یک رابطه دیالکتیک میان هستی‌شناسی اجتماعی و نظام تشریع است.

در واقع، از دیدگاه نائینی، احکام شریعت دارای «درون‌هستی اجتماعی» هستند؛ به این معنا که آن‌ها نه گزاره‌هایی انتزاعی و بی‌ارتباط با زیست انسانی، بلکه متناسب با ساختارهای عقلایی زندگی جمعی تنظیم شده‌اند (حکیمی، ۱۳۹۸، ص ۹۰). این مبنای فکری، به فقیه این مجال را می‌دهد که در فرآیند استنباط، «سیره عقلایی» را نه به عنوان منبعی ثانویه، بلکه به مثابه آینه‌ای برای درک ظرفیت‌ها و اقتضائات نظام اجتماعی شریعت به کار گیرد.

۲-۲-۱. مبانی انسان‌شناختی

این مبانی انسان‌شناختی در سه بُعد کلیدی، زیربنای روش‌شناختی اجتهاد نائینی را شکل می‌دهد:



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

الف. عقلانیت فاعل معرفتی (انسان به مثابه کنشگر شناختی)

برخلاف دیدگاه‌هایی که مکلف را صرفاً «متلقی منفعل» نص می‌انگارند، نائینی انسان را «عاقل و مختار» تعریف می‌کند. از نظر وی، تکلیف شرعی بدون «ادراک و تشخیص» مکلف، لغو و فاقد کارکرد است. بنابراین، فقیه در دستگاه فکری نائینی، «فاعل معرفتی» است که با بهره‌گیری از قوای عقلانی، حکم الهی را از لایه‌های نص استخراج می‌کند؛ به تعبیر دیگر، اجتهاد، تعامل عقلانی انسان با نص است، نه انقیاد کورکورانه (نائینی، ج ۳، ص ۵۸).

ب. مسئولیت اجتماعی و نظم عقلایی (انسان به مثابه کنشگر جمعی)

نائینی با عبور از فردگرایی صرف، بر «بُعد جمعی» شخصیت انسانی تأکید می‌ورزد. او در تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله، حیات دینی را در گرو نظم عقلایی و مشارکت

عمومی می‌داند. این نگاه، «سیره عقلا» و «عرف بشری» را نه به عنوان منبعی بیگانه، بلکه به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر خرد جمعی در فرآیند استنباط احکام اجتماعی بازتعریف می‌کند (نائینی، ص ۶۴).

ج. پیوند تجربه زیسته با فرایند استنباط

انسان نائینی، موجودی است که در قبال اجرای احکام در بستر «اجتماع»، مسئولیت عقلانی دارد. این مبنای انسان‌شناختی، به فقیه اجازه می‌دهد تا در هنگام «تطبیق حکم بر مصادیق»، واقعیت‌های اجتماعی را نه به عنوان مزاحم حکم، بلکه به عنوان بستر تحقق آن لحاظ کند. در این رویکرد، اجتهاد از یک «فعل نقلی خشک» به یک «فرایند عقلانی و اجتماعی» ارتقا می‌یابد که بدون ادراک تجربه انسانی، کارکرد خود را از دست می‌دهد (مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۹۱).

۱-۲-۲-۱. انسان مکلف عاقل و مختار

در نگاه نائینی، انسان دارای عقل و اراده آزاد است و همین ویژگی، مبنای تکلیف و مسئولیت شرعی اوست. او در فوائد الاصول، تصریح می‌کند که خطاب‌های شرعی متوجه کسانی است که از قدرت فهم و اختیار برخوردارند: «الخطابات الشرعية إنما تتوجه إلى المكلف العاقل القادر على الفعل» (نائینی، ج ۱، ص ۴۲). از این رو، انسان در نظام تشریع، نه مفعول محض بلکه فاعل مختار مکلف است (سبحانی، ج ۲، ص ۵۲).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱-۲-۲-۲. عقل عملی به عنوان رکن انسان‌شناسی دینی

نائینی عقل انسان را دارای دو بعد نظری و عملی می‌داند و بخش عمده‌ای از حجیت شرع را بر عقل عملی انسان مبتنی می‌کند. به باور او، درک حسن و قبح، وجوب اطاعت از شارع، و قبح عقاب بلا بیان، همگی بر پایه عقل عملی انسانی است (نائینی، ج ۳، ص ۵۹). بدین ترتیب، انسان در اندیشه نائینی موجودی است که از درون خویش به الزام‌های اخلاقی و شرعی آگاه می‌شود و شارع تنها آن آگاهی درونی را امضا و تکمیل می‌کند (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱).

۱-۲-۲-۳. فطرت و گرایش به کمال

هرچند نائینی بحث مستقلی درباره فطرت ندارد، اما از لابه‌لای مباحث او درباره حسن

و قبح ذاتی افعال می‌توان دریافت که او انسان را دارای فطرت کمال‌طلب و گرایش ذاتی به خیر می‌داند. از همین رو، احکام شرعی در نگاه او هماهنگ با گرایش‌های فطری انسان به سوی خیر و عدالت‌اند (نائینی، ج ۳، ص ۶۰؛ حکیمی، ۱۳۹۸، ص ۹۲).

۴-۲-۲-۱. کرامت عقلانی انسان در نظام اجتماعی

در اثر سیاسی خود تنبیه الایمه و تنزیه المله، نائینی با تکیه بر اصول انسان‌شناختی خود، به کرامت ذاتی و عقلانی انسان تأکید می‌کند. وی استبداد را ضد عقل و ضد فطرت می‌داند و معتقد است که نظام سیاسی مشروع باید بر مبنای اراده عقلایی و آزادی انسان‌ها شکل گیرد (نائینی، ۱۳۷۹، ص ۶۳). این نگرش، نشان‌دهنده پیوند مستقیم میان انسان‌شناسی دینی او و مبانی اجتهادی‌اش است؛ زیرا در هر دو حوزه، انسان عاقل و مختار محور تعامل با شریعت و جامعه است (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰).

۳-۱. منابع و ادله اجتهاد در اندیشه محقق نائینی

نظام اجتهادی محقق نائینی بر چهار منبع اصلی و چند مؤید عقلایی استوار است. او در چهارچوب سنت اصولی مکتب نجف، بر این باور است که ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) مبانی قطعی استنباط احکام شرعی را تشکیل می‌دهند، در حالی که عرف و سیره عقلا نقش تأییدی و تبیینی در فرآیند فهم نص دارند.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱-۳-۱. قرآن و سنت؛ ادله نصی

نائینی قرآن و سنت را اصیل‌ترین و یقینی‌ترین منابع تشریع می‌داند. وی بر این نکته تأکید دارد که اجتهاد بدون اتکاء به نص، خروج از مدار شرع محسوب می‌شود. او در فوائد الاصول تصریح می‌کند: «المرجع فی کل حکم شرعی إلی الکتاب والسنة، و إنما يرجع إلی غیرهما عند فقدان النص أو إجماله» (نائینی، ج ۱، ص ۳۹). از منظر نائینی، ظاهر قرآن حجت است مادامی که قرینه صارفه‌ای در کار نباشد، و فهم آن بر پایه ظهورات عرفی و عقلایی زبان عربی صدر اسلام انجام می‌گیرد (همان، ج ۱، ص ۱۱۲).

در تبیین جایگاه سنت، وی میان سنت قولی، فعلی و تقریری تفکیک کرده و هر سه را در صورتی که سند و دلالت آن‌ها تمام باشد، معتبر می‌داند. به نظر او،

سنت در حقیقت «مبیّنة للقرآن» است و دلالت‌های آن در طول کتاب قرار دارد، نه در عرض آن (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۴). نائینی در مواجهه با تعارض ظاهری نصوص، روش جمع عرفی و تحلیل مقاصدی را بر تأویل‌های ذهنی ترجیح می‌دهد؛ یعنی عقل در خدمت فهم نص قرار دارد، نه حاکم بر آن (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵).

۲-۳-۱. اجماع؛ دلیل کاشف از قول معصوم

اجماع نزد نائینی، نه به‌عنوان منبع مستقل، بلکه به‌عنوان کاشف از رأی معصوم علیه السلام دارای حجیت است. او تصریح می‌کند: «الاجماع بما هو هو لا یكون دليلاً، وإنما حجیته من حیث کشفه عن قول المعصوم» (نائینی، ج ۲، ص ۲۵۶). این دیدگاه او ادامه خط فکری آخوند خراسانی است و بر «کاشفیت» اجماع تکیه دارد نه «موضوعیت» آن. بنابراین، اجماع تنها زمانی حجت است که به نوعی اطمینان عقلایی به رأی معصوم بینجامد (سبحانی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۴۷). نائینی همچنین با تفکیک میان اجماع منقول، محصل و مدرکی، تنها نوع اول را در صورت تحقق شرایط کاشفیت معتبر می‌داند و اجماع مدرکی را فاقد حجیت می‌شمارد (همان، ص ۴۹).



۳-۳-۱. عقل؛ منبع مستقل تشریع

سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

از دیدگاه نائینی، عقل مستقل درک‌کننده حسن و قبح افعال و ملاکات احکام شرعی است. او در مبحث «ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع» می‌گوید: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع، و کل ما قبحه العقل قبحه الشرع» (نائینی، ج ۳، ص ۵۸). این اصل، محور معرفت‌شناسی نائینی در اصول فقه است؛ زیرا وی عقل را نه تنها در حوزه مستقلات عقلیه، بلکه در تشخیص ملاکات احکام و حجیت ظنون معتبر نیز دخیل می‌داند (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶). به همین دلیل، او از مدافعان «امضای شرع نسبت به بناء عقلا» است و عقل را پایه حجیت امارات و اصول عملیه می‌شمارد (نائینی، ج ۳، ص ۶۲؛ مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۸۳).

۴-۳-۱. عرف و سیره عقلا؛ مؤیدات و مبانی عقلایی

در اندیشه نائینی، عرف و سیره عقلا از مؤیدات اجتهاد محسوب می‌شوند، نه منابع مستقل تشریع.

او عرف را معیار درک ظواهر الفاظ می‌داند و تصریح می‌کند که فهم دلالات نصوص شرعی بدون مراجعه به عرف زمان صدور، بی اعتبار است (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۳). همچنین در بحث از حجیت سیره عقلا، وی بر «عدم ردع شارع» تأکید دارد: «الشارع لم یخالف بناء العقلاء فی تعاملاتهم إلا أن یردع عنها» (نائینی، ج ۲، ص ۲۴۵). بنابراین، سیره عقلا در اندیشه نائینی مبنای امضایی دارد؛ یعنی شارع در صورت سکوت، آن را تأیید کرده است (حکیمی، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

از منظر نائینی، عرف و سیره عقلا دو کارکرد اصلی دارند:

۱. تبیین دلالت‌های نصوص (در حوزه الفاظ و موضوعات)؛

۲. تأیید و تصحیح ظنون عقلایی (در حوزه امارات و اصول). به همین جهت، او روش عقلایی را نه در عرض ادله شرع، بلکه در طول آن می‌داند (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۲).

۲. ساختار فرآیند استنباط و مراحل روش اجتهاد در مکتب محقق نائینی

روش اجتهادی محقق نائینی، برخلاف ظاهر فنی و اصطلاحی آن در فوائد الاصول، دارای ساختار عقلانی منسجمی است که از تلفیق عقل، نص، و سیره عقلاء شکل گرفته است. این ساختار، فرآیند اجتهاد را از مرحله ادراک نص تا استنباط حکم شرعی در قالب چند گام نظام‌مند سامان می‌دهد. این بخش ابتدا شامل ساختار فرایند استنباط می‌شود و سپس مراحل روش اجتهاد را واکاوی می‌نماید:



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۲-۱. ساختار فرآیند استنباط

در نگاه نائینی، استنباط حکم شرعی صرفاً یک عمل فقهی بیرونی (یعنی صدور فتوا) نیست، بلکه یک فرآیند معرفتی و ذهنی است که در درون فقیه رخ می‌دهد؛ نوعی سیر عقلانی از نص شرعی (آیه، روایت، اجماع، عقل) به حکم فقهی (وجوب، حرمت، استحباب و...) است که شامل مراحل زیر است:

۲-۱-۱. مرحله ادراک و تحلیل نصوص شرعی

نخستین گام در فرآیند استنباط نائینی، فهم دقیق نصوص از طریق دلالت‌های عرفی،

سیاقی و عقلی است. او در این مرحله، بر سه اصل تأکید می‌کند:

۱. حجیت ظهورات الفاظ بر اساس عرف متشرعه
نائینی در آغاز فواید/اصول، فهم نص را متوقف بر درک «ظهور عرفی» می‌داند: «الاعتبار فی الألفاظ بظهورها العرفی دون الدقائق الفلسفية» (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۳).
۲. جمع عرفی میان نصوص متعارض
در صورت تعارض دو روایت یا دو ظاهر، نائینی راه‌حل را نه در تأویل، بلکه در جمع عرفی و فهم مقاصد شارع می‌داند (همان، ج ۴، ص ۱۱۷).
وی تأکید می‌کند که فقیه باید با تکیه بر سیره عقلاء در فهم گفتارها، میان متون مختلف سازگاری ایجاد کند (سبحانی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۵).
۳. تکیه بر اصالة الظهور و اصالة العموم
به باور نائینی، در غیاب قرینه، ظهور و عموم الفاظ حجت‌اند و اصل، بر بقای آن‌هاست (نائینی، همان، ج ۴، ص ۱۱۸؛ واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷).

۲-۱-۲. مرحله کشف ملاکات و مقاصد احکام



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

در مرحله دوم، نائینی تلاش می‌کند تا از دل نصوص، ملاکات (مصالح و مفساد واقعی) احکام را کشف کند.
او می‌نویسد: «إن الأحكام الشرعية تابعة للمصالح والمفاسد فی متعلقاتها» (نائینی، ج ۳، ص ۶۲). بر اساس این دیدگاه، فقیه تنها در صورتی می‌تواند حکم فرعی را استنباط کند که ارتباط آن با غایت و ملاک شرعی را تشخیص دهد.
این مبنا ریشه در هستی‌شناسی غایت‌گرای نائینی دارد که احکام شرعی را انعکاس نظام عقلانی تکوین می‌داند. (حکیمی، ۱۳۹۸، ص ۹۱)

۲-۱-۳. مرحله ترجیح و تعارض ادله

در صورت تعارض دو دلیل شرعی، نائینی به جای تمسک صرف به اصول لفظی، از یک منطق ترجیح عقلایی بهره می‌گیرد.
به باور او، عقل در ترجیح ادله نقش تعیین‌کننده دارد؛ زیرا شارع همان معیارهای عقلایی را در مقام داوری پذیرفته است (نائینی، ج ۲، ص ۲۴۵).

وی قواعد ترجیح را در سه سطح تنظیم می‌کند:

۱. ترجیح سندی (براساس وثاقت راوی و شهرت فتوایی)؛
۲. ترجیح دلالی (براساس وضوح و صراحت لفظ)؛
۳. ترجیح محتوایی (براساس موافقت با اصول عقل و مقاصد شریعت) (سبحانی، ج ۲، ص ۴۸).

در نهایت، اگر هیچ‌یک از ترجیحات قطعی نبود، فقیه به مرحله اصول عملیه وارد می‌شود.

۴-۱-۲. مرحله اصول عملیه (قواعد عملی در فقدان دلیل)

نائینی در تحلیل اصول عملیه (برائت، احتیاط، تخییر، استصحاب) به روشنی از مکتب آخوند خراسانی پیروی می‌کند، اما با توسعه عقلانی و نظام‌مندتر.

او بر این باور است که اصول عملیه، ابزار تعیین «وظیفه عملی مکلف در حالت شک» هستند، نه منابع کشف حکم واقعی (نائینی، ج ۴، ص ۱۳۵). وی تأکید دارد که مبنای تمام این اصول، حکم عقل عملی است؛ مثلاً در برائت، عقل حکم می‌کند به «قبح عقاب بلا بیان» و در احتیاط، به «لزوم دفع ضرر محتمل» (همان، ج ۴، ص ۱۳۸؛ واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

بنابراین، اصول عملیه نزد نائینی حلقه پیوند میان عقل و شریعت‌اند، و نشان می‌دهند که فقه در غیاب نص، از مسیر عقل عملی سامان می‌یابد (مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۸۵).

۵-۱-۲. مرحله تطبیق و تنزیل حکم بر موضوعات عرفی

آخرین گام در ساختار اجتهاد نائینی، تطبیق حکم شرعی بر موضوعات عرفی و متغیر است. او در این زمینه می‌گوید: «تشخیص الموضوعات لیس من شأن الشارع، بل هو موکول إلى العرف والعقلاء» (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۷). یعنی فقیه باید حکم ثابت شرعی را با توجه به عرف زمان و سیره عقلا بر مصادیق متغیر تطبیق دهد.

این دیدگاه، ریشه نظریه «نقش زمان و مکان در اجتهاد» در قرن بعدی، به‌ویژه در اندیشه امام خمینی، محسوب می‌شود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳).

در مجموع، فرآیند استنباط در اندیشه نائینی، از نص آغاز و به عقل ختم

می‌شود؛ اما عقل در تمام مراحل حضور دارد: در فهم نص (عقل زبانی)، در کشف ملاکات (عقل نظری)، در ترجیح ادله و اصول عملیه (عقل عملی). به این ترتیب، روش نائینی نمونه‌ای از اجتهاد عقل‌گرا در چهارچوب نص‌مدار است که میان وحی، عقل و عرف تعامل برقرار می‌کند (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۰؛ حکیمی، ۱۳۹۸، ص ۹۳).

۲-۲. مراحل روش اجتهاد در مکتب نائینی

فرآیند اجتهاد در مکتب نائینی، دارای چهار مرحله اصلی است:

۱. مرحله گردآوری و تتبع ادله؛

۲. مرحله تحلیل، جمع‌بندی و استنباط نهایی حکم؛

۳. مرحله تطبیق و استنباط؛

۴. مرحله اجرای حکم در روش اجتهاد نائینی؛

این چهار مرحله، منطبق بر نظام اجتهادی عقل‌گرا و در عین حال نص‌محور نائینی است؛ بدین معنا که او در عین تکیه بر کتاب و سنت، عقل و سیره عقلا را به‌عنوان ابزارهای تبیین و تنظیم در استنباط به کار می‌گیرد (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۵).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۲-۲-۱. مرحله گردآوری ادله

در این مرحله، فقیه باید همه داده‌های شرعی و عقلایی مربوط به مسئله را گردآوری کند تا از هیچ دلیلی غفلت نشود.

الف. تتبع در نصوص و روایات

نائینی معتقد است که نخستین وظیفه مجتهد، جست‌وجو در قرآن و سنت است؛ زیرا هر حکم شرعی، در اصل ریشه در وحی دارد. وی تصریح می‌کند: «المرجع فی کل حکم شرعی إلی الکتاب والسنة، و إنما يرجع إلی غیرهما عند فقدان النص أو إجماله» (نائینی، ج ۱، ص ۳۹).

او در این مرحله، روش «تتبع استقرایی» را توصیه می‌کند؛ یعنی فقیه باید همه روایات مرتبط با موضوع را از منابع مختلف بررسی کند تا به ظن معتبر یا قطع برسد (سبحانی، ج ۲، ص ۴۷).



ب. بررسی لغوی، عرفی و سندی

در نگاه نائینی، فهم نصّ بدون درک زمینهٔ زبانی و عرفی آن ممکن نیست. او می‌گوید: «الاعتبار فی الألفاظ بظهورها العرفی دون الدقائق الفلسفیه» (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۳).

بنابراین، فقیه باید ابتدا معانی لغوی و عرفی واژه‌ها را در زمان صدور نصّ مشخص کند و سپس اعتبار سندی روایت را بسنجد. به اعتقاد او، اعتبار سند روایت نیز یک امر عقلایی است و حجیت خبر واحد بر پایهٔ سیرهٔ عقلا در اعتماد به خبر ثقه شکل گرفته است (همان، ج ۲، ص ۲۴۵؛ حکیمی، ۱۳۹۶، ص ۹۳). در نتیجه، نائینی مرحلهٔ گردآوری ادله را نه یک عمل صرفاً نقلی، بلکه ترکیبی از نقل و تحلیل عقلایی داده‌های نقلی می‌داند.

۲-۲-۲. مرحلهٔ تحلیل و جمع‌بندی

در این مرحله، مجتهد باید میان داده‌های گردآوری‌شده تحلیل، جمع و ترجیح انجام دهد تا حکم نهایی را استنباط کند.



الف. روش جمع بین ادلهٔ متعارض

سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

نائینی روش جمع میان ادله را بر قاعدهٔ عرفی و عقلایی بنا می‌کند. او می‌نویسد: «عند تعارض الدلیلین یجب الجمع العرفی ما أمکن، فإن لم یمكن فالتخیر أو الترجیح» (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۷)؛ بدین معنا که تا زمانی که بتوان میان دو دلیل، وجه جمع عرفی یافت (مثل تخصیص، تقیید یا حمل بر مراتب مختلف)، نباید به ترجیح یا طرح یکی از دو دلیل پرداخت (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۵).

در این میان، نائینی به عقل عملی و بنای عقلا به عنوان راهنمای جمع عرفی تکیه دارد (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷).

ب. کاربرد اصول عملیه در صورت فقدان دلیل قطعی

اگر پس از جمع عرفی یا ترجیح، باز هم دلیل قطعی حاصل نشود، نائینی فقیه را موظف به رجوع به اصول عملیه می‌داند. او تأکید می‌کند: «الأصول العملیة إنما هی لتعین الوظیفه عند الشک، لا لإثبات الحکم الواقعی» (نائینی، ج ۴، ص ۱۳۵).

بر این اساس، فقیه در حالت شک باید یکی از اصول عملیه را به کار گیرد:
برائت: در صورت شک در تکلیف و فقدان بیان، عقل حکم به برائت می‌کند
(همان، ص ۱۳۸).

احتیاط: در موارد احتمال ضرر مهم یا حق الناس، اصل احتیاط مقدم است
(واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹).

تخیر: در صورت تعارض دو دلیل متکافئ، عقل و شرع هر دو تخیر را تجویز
می‌کنند (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۰).

استصحاب: در بقای حالت سابق تا یقین به خلاف (نائینی، ج ۴، ص ۱۴۲).
این اصول، ستون‌های نهایی فرآیند اجتهاد در اندیشه نائینی‌اند؛ زیرا نشان
می‌دهند که فقه در غیاب نص نیز می‌تواند بر پایه عقل عملی سامان یابد (مظاهری،
۱۴۰۱، ص ۸۵).

۲-۲-۳. مرحله تطبیق و استنباط

در این مرحله فقیه از داده‌های اصولی و دلالتی عبور کرده و به کار بست عملی حکم
در واقعیت عرفی و زمانی می‌رسد. در واقع در این مرحله، فقیه پس از اثبات دلالت
و حجیت دلیل، باید آن حکم کلی را بر موضوعات خارجی و عرفی تطبیق دهد؛
یعنی از مرحله «کشف حکم» به مرحله «کار بست حکم» وارد می‌شود.

نائینی در فوائد الأصول (ج ۱، ص ۴۵-۴۶) تصریح می‌کند: «الاستنباط لا يتم إلا
بعد انطباق الكبرى المستنبطة على صغرياتها الخارجية بحسب العرف»؛ استنباط
کامل نمی‌شود مگر آنکه کبری فقهی استخراج شده، بر صغریات خارجی اش طبق
عرف منطبق شود.

قسم اول: تطبیق حکم بر مصادیق عرفی

۱. معنا

نائینی معتقد است که مفاهیم شرعی (مثل بیع، نکاح، ضرر، غرر، عدوان...) در اصل
مفاهیم عرفی‌اند که شارع فقط در چهارچوب آن‌ها سخن گفته است. بنابراین، فقیه باید
در استنباط، حکم کلی را بر مصادیق عرفی متغیر منطبق کند (نائینی، ج ۲، ص ۲۳۷).



۲. نتیجه

فقیه باید در مقام فتوا، موضوعات را با عرف زمان خودش بسنجد؛ مثلاً بداند که «بیع» در جامعه کنونی چه مصادیقی دارد. پس اجتهاد یک فرایند پویا است، نه صرفاً تکرار گذشته. این نگاه، پایه «فقه تطبیقی» و «فقه موضوعات متغیر» در مدرسه نائینی شد. مثلاً در حکم «حرمت بیع غرری»، فقیه باید مصادیق عرفی «غرر» را در زمان خود بررسی کند چیزی که در بازار سنتی مصداق غرر بود، ممکن است در معاملات امروز نباشد.

قسم دوم: تأثیر زمان و مکان در فهم و تطبیق حکم

۱. مبنای نظری

نائینی از نخستین فقهای است که زمان و مکان را در اجتهاد دخیل می‌داند، البته نه در تغییر نص، بلکه در تشخیص موضوع و تطبیق حکم. «الاحکام الشرعیة ثابتة ما دامت موضوعاتها محفوظة، فإذا تبدل الموضوع بتبدل الزمان أو العرف، تبدل الحكم تبعاً له»؛ احکام تا زمانی ثابت اند که موضوعشان ثابت باشد؛ اگر موضوع به واسطه زمان یا عرف تغییر کند، حکم نیز به تبع آن تغییر می‌یابد (نائینی، ص ۶۴).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۲. توضیح

تغییر زمان و مکان موجب تغییر موضوعات خارجی است، نه تغییر در خود حکم شرعی. بنابراین، اگر عرف یا شرایط اجتماعی مصداق جدیدی پدید آورد، فقیه باید حکم را بر اساس همان واقعیت جدید تطبیق دهد.

۳. ثمره فقهی

این نگاه زمینه‌ساز نظریه «فقه حکومتی» در مکتب نائینی شد. او در مباحث اجتماعی (مثل عدالت، شورا، ولایت، قانون‌گذاری) تصریح می‌کند که فقیه باید احکام را در بستر زمانه بفهمد. در تنبیه الأمة، ص ۸۳ می‌گوید:

«نظام الأمة لا يستقیم إلا بفقه یواكب الظروف الزمانية و یحفظ مقاصد الشریعة»؛ نظام امت سامان نمی‌یابد مگر با فقهی که با شرایط زمانی هماهنگ و حافظ مقاصد شریعت باشد. بنابراین طبق این مرحله، فقیه باید در اجتهاد، دو بُعد را هم‌زمان رعایت کند:

۱. وفاداری به نص و قواعد اصولی،
 ۲. شناخت عرف و تحولات زمان و مکان.
- بدین ترتیب، اجتهاد نه «جمود بر نص»، و نه «انحلال در عرف»، بلکه حرکتی میان نص و واقع است.

۴-۲-۲. مرحله اجرای حکم در روش اجتهاد نائینی

مرحله اجرای حکم در اندیشه اصولی محقق نائینی، ناظر به تبدیل گزاره استنباطی به واقعیت اجتماعی و عقلایی است. از نظر او، فقه شیعه تنها زمانی به غایت خود می‌رسد که بتواند در تنظیم حیات جمعی و نظام اجتماعی مسلمانان نقش فعال ایفا کند.

الف. توجه به بُعد اجتماعی و عقلایی اجرای احکام

نائینی با نگاهی واقع‌گرایانه، اجرای احکام را از دایره فردی فراتر می‌برد و آن را در چهارچوب مصالح عقلایی جامعه اسلامی تفسیر می‌کند. وی در تبیین ال‌امّه و تنزیه المله، عقل جمعی و نظم اجتماعی را از ارکان اجرای شریعت می‌داند: «الاسلام دین مدنی، و الاحکام الشرعیة وضعت لإقامة العدل والنظام بین الناس» (نائینی، ص ۲۸).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

از نگاه نائینی، فقه نه تنها ناظر بر تکلیف فردی، بلکه متکفل تدبیر عقلایی حیات عمومی است. او معتقد است که فهم درست از احکام باید ناظر به «غرض شارع» در تأمین مصلحت جامعه و جلوگیری از فساد باشد (همان، ص ۴۲؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۸).

در نتیجه، اجرای حکم شرعی بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و عقلی آن، نوعی «تطبیق ناقص» به‌شمار می‌رود. نائینی در همین راستا، «ملاکات عقلایی احکام» را مبنای تبیین نحوه اجرای آن‌ها می‌داند؛ به‌ویژه در احکام حکومتی و اجتماعی (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۲).

ب. پیوند میان فقه و نظام اجتماعی از نگاه نائینی

یکی از نوآوری‌های فکری نائینی، پیوند دادن فقه و عدالت اجتماعی است. در اندیشه او، فقه بدون توجه به ساختار جامعه، ناقص است؛ زیرا احکام شرعی در خلأ صادر نشده‌اند، بلکه برای سامان دادن به مناسبات انسانی آمده‌اند (نائینی، ص ۵۶). وی تأکید دارد که احکام حکومتی و اجتماعی بر مبنای «مصلحت عقلایی» و

«حفظ نظام» قابل اجرا هستند، و فقیه در عصر غیبت باید این مصلحت را از راه عقل و تجربه عرفی تشخیص دهد (نائینی، ص ۶۲؛ مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۸۸). او از نخستین اصولیانی است که با استفاده از مبنای «حفظ نظام» (قاعدة عقلایی مشهور در اصول فقه) کوشید میان فقه سنتی و نیازهای حکومت و اجتماع پیوند برقرار کند. وی می‌نویسد: «حفظ النظام من أهم الواجبات العقلية ولا يجوز الإخلال به بحال» (نائینی، ج ۴، ص ۱۴۵).

به تعبیر سبحانی، نائینی نخستین کسی بود که در میان اصولیان متأخر، عقلانیت فقهی را در ساحت اجرا و سیاست نیز وارد کرد و از فقه به مثابه «نظام معرفتی تدبیر اجتماع» سخن گفت (سبحانی، ج ۲، ص ۵۲). از این منظر، اجرای احکام باید در چهارچوب قواعد عقلایی و مصلحت اجتماعی انجام گیرد، نه به صورت صرف تطبیق صوری بر مصادیق. به همین دلیل، نائینی اجرای احکام اجتماعی را وظیفه «فقیه عادل جامع الشرایط» در چهارچوب نظام سیاسی عادلانه می‌داند (نائینی، ص ۷۵).

جمع‌بندی



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

در مرحله اجرای حکم، اجتهاد نائینی از حالت نظری صرف خارج شده و در سطح اجتماعی تحقق می‌یابد.
از نگاه او:

۱. اجرای احکام باید بر پایه موازین عقلایی و عرفی جامعه اسلامی صورت گیرد.
۲. غایت اجرای فقه، حفظ نظام، عدالت و مصالح عمومی است.
۳. فقیه در مقام اجرا، باید علاوه بر معرفت نصوص، درک اجتماعی و سیاسی از بستر تطبیق احکام داشته باشد (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳؛ مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۸۹).

۳. نوآوری‌ها و ارزیابی روش اجتهاد در اندیشه محقق نائینی

نائینی (۱۳۵۵ق/۱۹۳۷م) از برجسته‌ترین چهره‌های مکتب اصولی نجف است که روش او در اجتهاد، تداوم سنت عقل‌گرای آخوند خراسانی و در عین حال ناظر به شرایط اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه است.

روش نائینی را می‌توان نظامی عقل‌گرا، عرف‌محور و پویا دانست که میان نصوص شرعی، عقلانیت فلسفی و نیازهای زمانه جمع می‌کند (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۶؛ واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴).

ابتدا نوآوری‌ها و ویژگی‌های مکتب اجتهادی میرزای نائینی در چند مولفه ذکر می‌شود و سپس به بحث ارزیابی می‌رسیم:

۳-۱. نوآوری‌ها

۳-۱-۱. جمع بین عقل و نقل در استنباط

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های نائینی، ترکیب هماهنگ میان عقل و نقل در فرآیند استنباط است. او بر خلاف اخباریان که نقل را یگانه منبع شناخت احکام می‌دانستند، معتقد است عقل می‌تواند به صورت مستقل درک‌کننده حسن و قبح و راهنمای فهم نصوص باشد. وی در فوائد الاصول می‌نویسد: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع، و کل ما قبحه العقل قبحه الشرع» (نائینی، ج ۳، ص ۵۸).

در نتیجه، نائینی عقل را نه در عرض وحی، بلکه در طول آن می‌بیند؛ یعنی عقل ابزار کشف مراد شارع و تنظیم استنباط از نصوص است (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶). به تعبیر آیت الله سبحانی، میرزای نائینی با این مبنا «میان اخباری‌گری و عقل‌گرایی افراطی» تعادلی معرفتی برقرار کرد و بدین وسیله مکتب اصولی نجف را به بلوغ جدیدی رساند (سبحانی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۵۱).

سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۳-۱-۲. تقدّم عرف معتبر بر نصوص مبهم

نوآوری دیگر میرزای نائینی، ارجاع فهم نصوص مبهم یا متعارض به عرف معتبر عقلایی است. او تصریح می‌کند که ملاک دلالت الفاظ، ظهور عرفی زمان صدور نص است نه دقایق فلسفی یا تفاسیر ذوقی: «الاعتبار فی الألفاظ بظهورها العرفی دون الدقائق الفلسفیه» (نائینی، ج ۴، ص ۱۱۳).

از نظر وی، هرگاه میان ظاهر لفظ و فهم عرفی تفاوتی پدید آید، عرف مقدّم است؛ زیرا زبان شارع همان زبان مردم است و مقاصد شرعی در قالب محاوره عقلایی بیان شده‌اند (همان، ج ۴، ص ۱۱۴؛ حکیمی، ۱۳۹۶، ص ۹۲). بنابراین، میرزای نائینی با طرح اصل

«تقدم عرف بر تفسیر ذهنی»، مسیر تفسیرگرایی اصولی را از جمود لفظی به سمت فهم اجتماعی و ارتباطی از نصوص دینی سوق داد (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷).

۳-۱-۳. تبیین پویا از زمان و مکان در اجتهاد

میرزای نائینی از نخستین اصولیانی است که به صورت صریح، نقش زمان و مکان در تطبیق احکام شرعی را تبیین کرد. او در مباحث اجتماعی تنبیه الامه و تنزیه المله، اجرای احکام را وابسته به شرایط اجتماعی و تغییر اوضاع می‌داند و تأکید می‌کند: «الأحكام الحكومية تابعة للمصالح المتغيرة بحسب الأزمان والبلدان» (نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۶۴). بر این اساس، میرزای نائینی اجتهاد را فرآیندی پویا می‌داند که باید همواره در تعامل با واقعیت‌های متغیر باشد. او معتقد است که تغییر در موضوعات اجتماعی موجب تغییر در مصداق حکم می‌شود، نه در اصل شریعت (سبحانی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۸).

به تعبیر واعظی، در اندیشه میرزای نائینی، فقیه باید «زمان‌شناس» باشد و بتواند بین ثبات شریعت و تحولات اجتماعی جمع کند؛ وگرنه استنباط او از کارکرد اجتماعی دین فاصله می‌گیرد (واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۲).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۳-۱-۴. تأکید بر عقلانیت اجتهاد و پرهیز از جمود بر ظواهر

نائینی اجتهاد را نه صرفاً فرایند استخراج حکم، بلکه فرایند عقلانی فهم دین می‌داند. او با انتقاد از اخباری‌گری و ظاهر بینی می‌گوید: «الجمود علی الظواهر بلا تدبر فی المقاصد یوجب الانحراف عن روح الشریعة» (نائینی، ج ۴، ص ۱۲۰). از نظر او، فقیه باید در استنباط، به «روح حکم» و «ملاک عقلی آن» نیز توجه کند. این نگاه باعث شد که نائینی فقه را از حالت صوری به سمت فقه عقلانی و مقاصدی سوق دهد (سبحانی، المدارس الفقہیة، ج ۲، ص ۵۳). او بر این باور است که اجتهاد باید با معیار عقل، عرف و مصالح اجتماعی تنظیم شود و تنها در این صورت می‌تواند پاسخ‌گوی تحولات زمانه باشد (مظاهری، ۱۴۰۱، ص ۹۰).

در مجموع، روش نائینی در اجتهاد دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. عقل و نقل در فرایند استنباط در نظامی هم‌افزا و طولی به کار گرفته می‌شوند.

۲. عرف معتبر، معیار فهم نصوص و رفع ابهام در دلالت‌هاست.
 ۳. زمان و مکان، نقش تفسیری در تعیین مصادیق احکام دارند.
 ۴. عقلانیت و مقاصد شریعت، جایگزین جمود لفظی و ظاهری‌گرایی می‌شوند.
- این چهار محور، مبانی اصلی روش نائینی را تشکیل می‌دهند که او را از اصولیان پیش از خود، به‌ویژه دوره شیخ انصاری و آخوند خراسانی، متمایز می‌سازد (سبحانی، ۱۴۲۵، ص ۵۴؛ واعظی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳).

۳-۲. نقد و ارزیابی

در این بخش دو چالش مهم در روش نائینی را توضیح می‌دهم و برای هرکدام مستند و سپس تطبیقی تحلیل می‌کنم.

۳-۲-۱. چالش نخست: «تشخیص عرف معتبر»

نائینی در مرحله «تطبیق و استنباط» تأکید می‌کند که مفاهیم شرعی (مانند بیع، ضرر، غصب...) عموماً عرفی‌اند و شارع در بیشتر موارد همان معنای عرفی را امضا کرده است. اما پرسش اساسی این است: وقتی عرف‌ها متفاوت‌اند، کدام عرف حجت است؟ دیدگاه نائینی در فوائد الأصول (ج ۲، ص ۲۳۷) می‌گوید: «المرجع فی الألفاظ إلى العرف العام دون الخاص، إلا إذا قام دليل على نقل شرعی أو عرف خاص»؛ مرجع در معانی الفاظ، عرف عام است نه عرف خاص، مگر آنکه دلیل بر نقل یا تخصیص شرعی باشد. یعنی فقیه باید عرف عمومی جامعه مخاطب شارع (عرف عصر تشریع) را معیار قرار دهد، نه عرف متأخران.

اما در مقام عمل، چون فقیه ناگزیر از انطباق حکم بر عرف زمان خود است، این مسئله دشوار می‌شود: چگونه میان عرف صدر اسلام و عرف کنونی جمع کند؟

چالش عملی

مرز میان «عرف معتبر» (عرف عصر تشریع) و «عرف تطبیقی» (عرف زمان فقیه) دقیقاً مشخص نیست. اگر فقیه بیش از حد به عرف کنونی تکیه کند، خطر نسبی‌گرایی فقهی پیش می‌آید؛ اگر فقط عرف صدر اسلام را معتبر بداند، فقه منجمد و غیرکارآمد می‌شود.



۲-۲-۳. چالش دوم: «گستره زمان و مکان در اجتهاد»

میرزای نائینی در تنبیه الأئمة و تنزیه الملة (صص ۶۴ و ۸۳) تصریح می‌کند که احکام تابع موضوعات اند؛ اگر موضوع به سبب تغییر زمان یا مکان دگرگون شود، حکم نیز تغییر می‌یابد: «الاحکام ثابتة مادامت موضوعاتها محفوظة، فإذا تبدل الموضوع تبدل الزمان أو العرف تبدل الحكم تبعاً له». اما چالش در اینجا است که: چه اندازه از تغییر را باید «تبدل موضوع» دانست و چه اندازه را «تحول در حکم»؟ تحلیل این چالش بدین گونه است:

۱. ابهام در مرز موضوع و حکم،
 ۲. در بسیاری از موارد، تغییر زمان و مکان نه فقط در موضوع، بلکه در جهت تشریع حکم نیز تأثیر دارد (مثل معاملات بانکی، حقوق عمومی و...)،
 ۳. فقیه باید تصمیم بگیرد که این تغییر، تغییر در موضوع است یا در ملاک حکم،
 ۴. گستره تأثیر زمان،
 ۵. اگر تأثیر زمان و مکان را بیش از حد بپذیریم، فقه به «عرف محوری» می‌غلطد،
 ۶. اگر کاملاً نادیده بگیریم، فقه از حیات اجتماعی جدا می‌شود.
- میرزای نائینی در عمل به «میانه‌روترین موضع» قائل است:
۱. زمان و مکان در تطبیق و موضوع‌شناسی مؤثر است،
 ۲. نه در ثبوت و دلالت حکم شرعی.
- «لا يتغير الحكم بتغير الزمان، إلا بتغير موضوعه العرفي» (نائینی، ج ۳، ص ۲۵)؛ حکم با تغییر زمان دگرگون نمی‌شود، مگر اینکه موضوع عرفی اش تغییر کند.

نتیجه‌گیری

اجتهاد به مثابه ابزار اصلی فهم شریعت در فقه اسلامی، نقشی بنیادین در پویایی و بالندگی اندیشه دینی دارد. تحول در مبانی و روش اجتهاد، همواره شاخصی برای تحول در اندیشه اسلامی بوده است. در میان اصولیان متأخر شیعه، میرزای نائینی جایگاهی ممتاز دارد؛ چرا که او در دوره‌ای حساس از تاریخ ایران و حوزه نجف، ضمن پاسداری از سنت اصولی مکتب آخوند خراسانی، با رویکردی عقل‌گرایانه به سامان‌دهی دوباره مباحث اجتهاد و اصول فقه پرداخت. مبانی معرفتی و فلسفی



اجتهاد در مکتب نائینی عبارت است از مبانی معرفت‌شناختی، هسی‌شناختی و انسان‌شناختی. از سوی دیگر فرآیند استنباط نزد ایشان، شامل مرحله ادراک، کشف، ترجیح، اصول‌عملیه و تطبیق بر موضوعات عرفی است. و در نهایت مراحل روش اجتهاد در مکتب نائینی در سه مرحله گردآوری، تحلیل و استنباط است. همچنین محقق نائینی دارای ابتکارات و نوآوری‌های زیادی در اجتهاد خود می‌باشد که از آنها می‌توان به جمع بین عقل و نقل در استنباط، تقدّم عرف بر نصوص، تبیین پویا از زمان و مکان و تأکید بر عقلانیت و پرهیز از جمود اشاره کرد. در قسمت نقد و ارزیابی نیز ایشان با دو چالش مهم مواجه است: چالش نخست، تشخیص عرف معتبر و چالش دوم، گستره زمان و مکان در اجتهاد است.



منابع و مأخذ

۱. خراسانی، محمدکاظم (آخوند) (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.
۲. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق). تاریخ تطور علم اصول فقه شیعه، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
۳. سبحانی، جعفر (۱۴۲۵ق). المدخل إلى علم الأصول، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
۴. سبحانی، جعفر (۱۴۲۵ق). المدارس الفقهية، قم، دارالتقريب.
۵. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق). فرائد الأصول (الرسائل)، قم، مجمع الفکر الإسلامی.
۶. مظفر، محمدرضا (۱۴۰۵ق). أصول الفقه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۷. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۹). تنبیه الامه و تنزیه المله، قم، بوستان کتاب.
۸. نائینی، محمدحسین (بی‌تا). فوائد الاصول، قم، مکتبه الهدایه.

مقالات:

۱. حکیمی، مهدی (۱۳۹۶). «عرف و عقلا در مکتب نائینی»، مجله فقه و اصول، ش ۲۲.
۲. مطهری، رضا (۱۴۰۱). «نقش عقل در نظریه اجتهاد نائینی»، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، ش ۳۵.
۳. واعظی، احمد (۱۳۹۴). «روش‌شناسی فهم دین»، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

